

حوادث روزها اخیر پایه‌های رژیم را سست‌تر کرد!

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

روزهای اخیر جامعه ایران، به ویژه کارگران و دانش‌جویان و توده‌های جان‌به‌لب‌رسیده، پایه‌های رژیم ارتجاعی جمهوری اسلانی ایران را بیش از پیش سست کرده‌اند و با حضور در خیابان‌ها و مقاومت در مقابل نیروهای سرکوبگر رژیم، یک‌بار دیگر با صدای رسا و بلند اعلام می‌کنند که جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند. باید این رژیم برود!

در چنین وضعیتی کشمکش و اختلاف جناح‌های رژیم نیز بالا گرفته است. رهبران رژیم، در هراس از جنبش فزاینده طبقاتی به هذیان‌گویی افتاده‌اند، علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، فرمان سرکوب شدید مخالفین را صادر کرده است. خاتمی رییس‌جمهور می‌گوید در ایران، خبری نیست و مخالفین در خارج کشور، وقایع را بزرگ می‌کنند. اما واقعیت این است که صدای ناقوس مرگ جمهوری اسلامی، در کارخانه‌ها، دانشگاه‌ها و خیابان‌ها به صدا درآمده است. اعتراضات خیابانی تقریباً هر شب ادامه دارد و اکثر شهرهای کشور را فرا گرفته است. در این مطلب مروری خواهیم داشت به تحرک جدید جنبش کارگری، به ویژه کارگران بهشهر، جنبش دانش‌جویی و عکس‌العمل نیروهای خارج کشور، در مقابل وقایع اخیر ایران.

جنبش کارگری

در چند هفته اخیر اعتراضات کارگران، در برخی از کارخانه‌های کشور رخ داده است. برای مثال ۳۳۰ کارگر سامیکو همدان، در مقابل فرهنگ‌سرای این شهر در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه دستمزد و پاداش آخر سال خود دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران تهدید کردند که اگر به مطالبات‌شان پاسخ داده نشود، دست به تظاهرات خواهند زد.

روز ۲۷ خرداد ماه، ۲۵۰ کارگر مبلیران تهران، در اعتراض به عدم پرداخت‌های خود در مقابل دفتر کارخانه کاترپیلار دست به تجمع زدند. لازم به یادآوری است که کارگران مبلیران، در یک سال اخیر بارها در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود دست به تظاهرات زده‌اند، از جمله کارگران این کارخانه، روز شنبه ۲۴ خرداد ماه، جاده مخصوص کرج را از ساعات اولیه صبح مسدود کردند و این حرکت اعتراضی، علی‌رغم تهدید نیروهای انتظامی تا ساعت ۲ بعد از ظهر ادامه پیدا کرد.

۲۵۰ کارگر قطار شهری در ۲۷ خرداد ماه، به دلیل عدم پرداخت دستمزدهایشان در مقابل وزارت کار

تجمع کردند.

اعتصاب کارگران کارخانه‌های شهرک صنعتی گناباد، کارگران کارخانه کشمیر، کارگران چوب نگار علیه سیاست‌های ضدکارگری رژیم و به منظور دستیابی به مطالبات خود از جمله دستمزدهای معوقه دست به تحصن و اعتراض می‌زنند، نمونه‌هایی از اعتراضات کارگری است.

همچنین اعتصاب و اعتراض کارگران بهشهر، که از روز چهارشنبه ۲۷ فروردین ماه سال جاری، در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدهایشان به مدت ۲۶ ماه و ۵ سال عیدی، دست به اعتراض زدند. در این تظاهرات حدود ۲۵ هزار نفر شرکت کردند. در این تظاهرات کارگران کارخانه‌های نساجی دیگر حضور داشتند. پلیس، به تظاهرکنندگان یورش آورد و تعدادی را زخمی و یا دستگیر کرد. اما کارگران به طرق مختلف به اعتراض خود هم‌چنان ادامه می‌دهند.

از آن تاریخ تاکنون چندین بار کارگران بهشهر به خیابان‌ها آمدند و در تظاهرات‌های خود علیه سردمداران رژیم جمهوری اسلامی سرمایه‌داری ضدکارگر و ضدانسان شعار دادند. سرانجام به دلیل این که وعده‌های مسئولین رژیم، در پرداخت دستمزدهای معوقه‌شان دروغ از آب درآمد، تعدادی از کارگران، در محوطه کارخانه از ۲۷ اردیبهشت ماه دست به اعتصاب غذا زدند و در حال حاضر نیز ادامه دارد. حال چند نفر از کارگران وخیم اعلام شده است. کارخانه در محاصره نیروهای انتظامی قرار دارد و رابطه کارگران اعتصابی با خارج را قطع کرده‌اند.

کارگرانی اعتصابی اعلام کرده‌اند تا دستیابی به مطالباتشان به اعتصاب و اعتراض خود ادامه خواهند داد.

بدون شک این اعتراضات کارگران بهشهر، که اکنون به سنبل مقاومت و رادیکالیسم جنبش کارگری بر علیه رژیم و پافشاری بر پرداخت دستمزدهای معوقه و دیگر مطالبات‌شان تبدیل شده است، ابعاد گسترده‌تری پیدا خواهد کرد.

در خارج کشور نیز نیروهای مدافع کارگران، کمونیست‌ها کمپین گسترده‌ای را در دفاع از مبارزات کارگران و به ویژه کارگران بهشهر راه انداخته‌اند، برای مثال شورای نیروهای چپ و کمونیست، در استکهلم، پایتخت سوئد، یک هفته پیکت اعتراضی در مقابل دفتر مرکزی فدراسیون سراسری کارگران سوئد، با خواست این که این فدراسیون، در حمایت و پشتیبانی از مطالبات کارگران ایران و بهشهر، جمهوری اسلامی را به دلیل سیاست‌های ضدکارگری‌اش محکوم کند و از فدراسیون‌های کارگری اروپا بخواهد سیاست مشابهی را اتخاذ کنند را برگزار کرد. همچنین بیانیه‌ای در رابطه با مهم‌ترین و اساسی‌ترین مطالبات کارگران و مبارزات کارگران بهشهر، برای امضا در سایت‌های اینترنتی قرار دارد که تاکنون بسیاری از سازمان‌های سیاسی چپ و کمونیست، کانون‌ها و نهادهای مدافع کارگری و صدها انسانی که در امر پیشبرد مبارزات کارگری و کمونیستی دخیلند آن را امضا کرده‌اند، از جمله

کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران و دفتر نمایندگی کومه‌له در خارج کشور. در حالی که بند و بست سازمان بین‌المللی کار با جمهوری اسلامی در جریان است، ایران در مقایسه با ۵۰ کشور جهان، از نظر مناسب بودن فضای کار، در آخرین ردیف قرار گرفته است. بنا به گزارش شبکه صنعت ایران، مهندس رضا ویسه، مدیرعامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع، با اشاره به نتایج پژوهش در خصوص محیط کار گفت: «ایران در بررسی محیط کار بین ۵۰ کشور دنیا از نظر شرایط نامناسب محیط کار، آخرین رده را به خود اختصاص داده است...».

بدین ترتیب شاید کارگران ایران، یکی از بی‌حقوق‌ترین کارگران جهان باشد که به مبارزه سخت و دشواری با یک رژیم جانی و دیکتاتوری سرمایه در حال مبارزه طبقاتی است. از این‌رو کمپین دفاع از مطالبات و مبارزه کارگران ایران، در خارج کشور، باید به عناوین مختلف با جدیت و پیگیری تداوم پیدا کند و گسترش یابد. ما کمونیست‌ها که برای حقوق و آزادی‌های کل جنبش کارگری بی‌وقفه مبارزه می‌کنیم، باید با سازمان‌دهی اعتراضات و جلب حمایت و پشتیبانی بین‌المللی هم طبقه‌ای‌های خود، رژیم جمهوری اسلامی را آنچنان در انزوا و فشار قرار دهیم تا مطالبات کلیه کارگران ایران و به ویژه کارگران چیت‌سازی بهشهر را بپذیرد و راه برای ارتقای مبارزه ضدسرمایه‌داری طبقه کارگر در جهت سرنگونی رژیم سرمایه و برپایی حکومت کارگری هموار گردد.

مبارزه دانش‌جویان و پشتیبانی مردم

شهر تهران، هفته‌های گذشته شاهد بزرگ‌ترین اعتراضات دانش‌جویان بعد از وقایع ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸ است. دانش‌جویان دانشگاه تهران، در اعتراض به طرح خصوصی‌سازی دانشگاه‌های کشور، در کوی دانشگاه دست به تظاهرات زدند. دانش‌جویان معترض مورد حمله لباس شخصی‌ها و مامورین انتظامی قرار گرفتند و این مسئله سبب شد که درگیری‌ها با مقاومت دانش‌جویان ادامه پیدا کند. همچنین مردم معترض بلافاصله به پشتیبانی از مبارزات دانش‌جویان برخیزند.

در یک اقدام شجاعانه دانش‌جویان سه نفر از لباس شخصی‌ها را دستگیر کردند و به داخل خواب‌گاه بردند و موتورهایشان را آتش زدند. یکی از این سه نفر به نام «مجید_ب» که در ساختمان ۱۸ خواب‌گاه کوی دانشگاه به اسارت دانش‌جویان درآمده بود، زمان دستگیری با خود گاز اشک‌آور و بی‌سیم حمل می‌کرد، برای این که هویت اطلاعاتی خود را مخفی کند، به ایسنا گفت: «کلیه پزشکان، مجاز به حمل گاز اشک‌آور بوده و در پشت شهرداری نیز به راحتی می‌توان این گونه ابزارها و وسایل دفاع شخصی را تهیه کرد، اما من پزشک نیستم».

موج جدید اعتراض دانش‌جویان، از کوی دانشگاه تهران، به نقاط دیگر شهر سرایت کرد و سپس شهرهای دیگر مانند تبریز، مشهد، کرج، رشت، شیراز، اصفهان، همدان و ... را نیز فرا گرفت.

بنا به گزارش خبرگزاری کار ایران، ایلنا، حدود ساعت ۲ بامداد شب ۲۳ خرداد ماه، حدود ۶۰۰ نفر از گروه‌های لباس شخصی با حمله به خواب‌گاه دانش‌جویان «شهید همت» عده زیادی را زخمی کردند که حال چند تن از آن‌ها وخیم است. این گزارش می‌افزاید: «این گروه به داخل اتاق‌های خواب‌گاه حمله و به ضرب و شتم شدید دانش‌جویان پرداختند. تعدادی از دانش‌جویان از طبقه بالای خواب‌گاه به پایین پرتاب شدند و تعدادی نیز مورد اصابت قرار گرفتند که حال عده‌ای از آنان وخیم گزارش شده است. تعداد مجروحین حدود ۷۰ نفر بوده است که در بیمارستان «شهید شریعتی» بستری هستند. همچنین تعدادی از دانش‌جویان نیز ناپدید شده‌اند که تعداد آنان معلوم نیست. در این یورش وحشیانه عوامل رژیم، فضای داخل خواب‌گاه به شدت تخریب گردید و روی دیوار و پله‌ها نیز خون دانش‌جویان ریخته شد.

معاون سیاسی-امنیتی استانداری تهران، آمار دستگیرشدگان روزهای اخیر تهران را ۳۱۷ نفر اعلام کرد. طلایی فرمانده نیروی انتظامی تهران گفت، دانش‌جویان در این اعتراضات ۱۳۰ تا ۱۵۰ نفر از افراد نیروی انتظامی را زخمی کردند.

روز دوشنبه ۲۶ خرداد ماه، تعدادی از دانش‌جویان دانشگاه تهران در صحن دانشکده فنی دانشگاه تهران، دست به اعتراض زدند. دانش‌جویان در این تجمع خواستار آزادی دانش‌جویانی که در روزهای اخیر بازداشت شده‌اند، همواره شعارهایی علیه سردمداران رژیم سر دادند.

بنا به گزارش سایت‌های خبری و روزنامه‌های محدود جمهوری اسلامی، در نقاط مختلف شهر اصفهان دانش‌جویان دست به اعتراض زدند. حدود ساعت ۳ بعد از ظهر در خیابان حمیدیه اصفهان، تجمعی در حدود ۲۰۰ نفر از دانش‌جویان برگزار شد که پس از یک ساعت با دخالت نیروهای انتظامی پایان یافت. همچنین در حدود ۱۵۰ نفر از دانش‌جویان در خیابان هزار جریب تجمع کردند و اقدام به آتش زدن لاستیک و اتومبیل شهرداری نمودند. عده‌ای به بانک صادرات شعبه مطهری اصفهان حمله کردند. به کلانتری ۲۰ اصفهان حمله شد و یکی از مامورین مستقر در کلانتری، بر اثر تیراندازی زخمی گردید. عده‌ای هم به پایگاه بسیج بهرام‌آباد اصفهان حمله کردند. تجمعات دیگری نیز در خیابان عاشورا، پشت مسجد شفیعی، خیابان ۲۲ بهمن، خیابان خمینی و بزرگ‌راه رزمندگان اسلام انجام شد و تجمع کنندگان با آتش زدن لاستیک شعارهایی علیه سردمداران رژیم سر دادند. در تجمع دیگری در حوالی ملک شهر، معترضین شیشه‌های ادارات و بانک‌ها در خیابان‌های زینبیه، دو طفلان و قرض‌الحسنه رجایی را شکستند و این درگیری‌ها تا ساعت ۴ بامداد ادامه داشت.

مدیرکل دادگستری اصفهان، تعداد دستگیرشدگان حوادث اخیر در این استان را بیش از ۳۰۰ نفر اعلام کرد.

در خمینی شهر، حدود ۵۰۰ نفر تجمع کردند و در محله جوی‌آباد این شهر، ترانس برق خیابان کهنه‌ژ

را آتش زدند که سرانجام با حمله مامورین انتظامی و دستگیری حدود ۱۰ نفر پایان یافت. در تبریز، از غروب روز یکشنبه ۲۵ خرداد ماه، تجمع اعتراضی دانش‌جویان آغاز شد. دانش‌جویان دختر در خواب‌گاه‌های خود دست به اعتراض و تجمع زدند. این اعتراض دانش‌جویان، صبح روز دوشنبه در داخل دانشگاه ادامه پیدا کرد و صدها تن از دانش‌جویان خواهان لغو امتحانات گردیدند و در برابر دانشکده شیمی تجمع کردند و علیه سردمداران رژیم، از جمله، «انصار جنایت می‌کند، رهبر حمایت می‌کند»، «این جنبش دانش‌جو است، نه جنبش آمریکا»، «حمایت حمایت»، «مرگ بر طالبان، چه کابل، چه ایران، چه تهران»، «آزادی اندیشه همیشه همیشه»، «دانش‌جوی با غیرت، حمایت حمایت»، «مرگ بر مستبد» «خاتمی خاتمی استعفا استعفا» و... شعار دادند.

تجمع اعتراضی دانش‌جویان دانشگاه بوعلی همدان، از روز دوشنبه ۲۶ خرداد آغاز شد. ماموران انتظامی دانش‌جویان معترض را محاصره کردند، اما دانش‌جویان در مقابل مهاجمان مقاومت کردند و با پرتاب سنگ و بطری آتش‌زا به سوی ماموران انتظامی از خود دفاع کردند. در این درگیری ۹ نفر از ماموران انتظامی زخمی گردیدند و ۱۰ نفر دانش‌جو نیز بازداشت شدند. همچنین دانش‌جویان با سر دادن شعارهایی علیه قداره‌بندان رژیم، شیشه‌های ساختمان بودجه دانشگاه را شکستند.

در حالی که اعتراض دانش‌جویان، هم‌چنان ادامه دارد و روز به روز نیز گسترده‌تر می‌گردد، سردمداران جمهوری اسلامی، به شدت گیج شده‌اند و موقعیت خود را بیش از پیش در معرض خطر می‌بینند، همه نیروهای مافیایی، شبه‌تروریستی، اطلاعاتی، انتظامی، بسیج و سپاه پاسداران را بسیج کرده‌اند تا اعتراضات را سرکوب کند. گروه‌های مافیایی موسوم به لباس شخصی‌ها سوار بر موتورسیکلت، در خیابان‌ها به راه می‌افتند و افراد بسیجی با کلت و تفنگ و جلیقه‌های ضدگلوله در خیابان‌ها گشت زنی می‌کنند. نیروهای انتظامی در همه شهرها به حال آماده‌باش درآمده‌اند، اما علی‌رغم همه این تدابیر امنیتی، بگیر و به بندها، تهدیدها و آفریدن رعب و وحشت اعتراضات دانش‌جویان که اکنون با حمایت و پشتیبانی توده‌های به لب رسیده به خیابان‌ها کشیده شده است، در حال اوج گرفتن است. از این‌رو سردمداران رژیم، سعی می‌کنند این اعتراضات را به عوامل خارجی منتسب کنند تا زمینه همه‌جانبه سرکوب معترضین را مساعد سازند. علی‌یونسی، وزیر اطلاعات رژیم، در گفت‌وگو با خبرنگاران ادعا کرد که این تحرکات را آمریکائیان و ضدانقلاب در آستانه سالروز حوادث ۱۸ تیر ماه ۱۳۷۸، دامن می‌زنند. این در حالی است که از جمله دانش‌جویان دانشگاه تبریز، در جواب یونسی، شعار «این جنبش دانش‌جو است، نه جنبش آمریکا!» را سر می‌دهند.

همچنین در اعتراضات روزهای اخیر دختران و پسران، در مقابل مساجد دست به رقص و پایکوبی زدند و دختران روسری‌های خود را با نفرت به هوا پرت کردند، زیر پای خود لگدمال نمودند و سوزاندند.

این با شکوه‌ترین حرکت دانش‌جویان بود که باید الگویی برای همه زنان و دختران در حرکت‌های اعتراضی باشد. بدون شک این اعتراضات در سالگرد ۱۸ تیر به اوج خود خواهد رسید.

عکس‌العمل نیروهای اپوزیسیون در خارج کشور

در خارج کشور نیز در حمایت و پشتیبانی از مبارزات کارگران و دانش‌جویان، تلاش‌های گسترده‌ای از سوی احزاب، سازمان‌ها، نهادها و کمیته‌ها و رسانه‌های گروهی در جریان است. قطعاً باید این اعتراضات را تقویت کرد و افکار عمومی مردم جهان را به مبارزه بی‌امان علیه جمهوری اسلامی و برای محکوم کردن وحشی‌گری‌های این رژیم، جلب کرد. نیروهای چپ و کمونیست و انسان‌دوست، باید در حمایت از مبارزه کارگران، زنان، دانش‌جویان، معلمان و توده‌های محروم و ستم‌دیده، در این شرایط حساس باید تمام نیروی خود را به کار گیرند و مانند گذشته پرچم‌دار مبارزات خارج کشور باشند.

اما طیف راست اپوزیسیون، به ویژه طیف سلطنت‌طلب که با حمایت مالی سازمان سیا فعال شده‌اند، از هر نظر به تخریب جنبش طبقاتی مشغولند. رسانه‌های وابسته به این طیف، تبلیغات غیرواقعی و دروغ‌راه می‌اندازند. توهم‌پراکنی می‌کنند و مهم‌تر از همه سعی می‌کنند این مبارزات را به حساب حمایت‌های آمریکا و خودشان بگذارند که واقعیت ندارد. هر چند که عوامل طرفدار آمریکا و سلطنت نیز در ایران فعال هستند، اما اکثریت مردم ایران با دخالت نظامی آمریکا و تحمیل طیف سلطنت‌طلب مخالفت می‌کنند. نیروهای راست و به ویژه نیروهای سلطنت‌طلب که از طریق سازمان سیا سازمان‌دهی می‌شوند، دشمن درجه یک کارگران و مبارزه طبقاتی و انقلاب اجتماعی هستند. باید سیاست‌های این طیف مورد نقد و افشاگری قرار گیرد تا با روشن‌گری خاک در چشم توده‌های مردم نپاشند.

بدین ترتیب اعتراضات توده‌های مردم اکثر شهرهای ایران را فرا گرفته است. اعتراضاتی که آغاز شده است برگشت‌پذیر نیست. اکثریت مردم ایران اراده کرده‌اند که بساط رژیم ارتجاعی و وحشی جمهوری اسلامی برچینند. از این رو دیگر رعب و وحشت نیروهای سرکوبگر رژیم کارساز نیست. مبارزه طبقاتی کارگران، محرومان و ستم‌دیدگان، به سرعت در جهت سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و برای برپایی جامعه‌ای آزاد و برابر و انسانی، گام‌های محکمی برمی‌دارد.